



بحران سوریه همچنان ادامه دارد و ناله موشک‌ها و انفجارهای پیاپی، فضای سوریه را هر روز غمبارتر می‌کند. جهان شاهد یکی از بدترین جنگ‌های سالهای اخیر است اما گویی هیچ اراده‌ای برای پایان دادن به این خشونت وجود ندارد. مردم سوریه آواره شده‌اند و سوریه به کشوری ویران تبدیل می‌شود اما نه دولت و مخالفانش، نه قدرت‌های منطقه‌ای و نه قدرت‌های بزرگ دنیا هیچ ایده‌ای برای پایان جنگ ندارند و عمر آتش‌بس‌ها به چند روز نمی‌رسد. نشست‌های حل بحران سوریه عموماً بدون حضور نمایندگان طرف‌های درگیر در این کشور و با حضور کشورهای دیگر برگزار می‌شود اما تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است؛ آخرین نشست از این دست، نشست لوزان بود. خبرنگار شفقنا با مسعود ادریسی، سفیر سابق ایران در لبنان درباره آینده سوریه و بی نتیجه ماندن چندباره نشست‌های حل بحران سوریه به گفت وگو پرداخته است.

نشست لوزان درباره بحران سوریه بدون هیچ دستاورد روشنی به پایان رسیدید در حالی که دولت سوریه در این نشست حضور نداشت.
چطور انتظار می‌رود نماینده‌ای از طرفین درگیر در سوریه حضور نداشته باشند اما نشست‌های مربوط به حل بحران سوریه به نتیجه برسد؟

به دلیل اینکه، سوریه یک طرف اصلی در درگیری با معارضین است و در این اجلاس از کشورهایی که صاحب نفوذ در سوریه هستند یا به نحوی با بحران سوریه ارتباط دارند، از آنها دعوت شد که در این نشست شرکت کنند و طبیعی است که از معارضین دولت و نماینده دولت سوریه دعوت نشده باشد. این اجلاس، اجلاس کشورهایی است که نقشی در بحران سوریه دارند اما همانطور که گفتیم بحث این بوده که کشورهایی که در ارتباط با بحران سوریه هستند دعوت نشده بودند که البته ایران هم با شرطی که گذاشته بود در این اجلاس شرکت کرد.

ایران به چه شرطی شرکت کرد؟

حضور کشورهای عراق و مصر که ایران با بسودن وزرای این کشورها در نشست لوزان شرکت کرد.

این نشست تأثیری در روند حل بحران سوریه داشت یا خواهد داشت؟

همانطور که از قبل تقریباً هم تحلیل‌گرها و حتی آمریکایی‌ها و روسها پیش بینی کرده بودند در این نشست نتیجه ملموسی حاصل نشد؛ حتی درباره محورهای اصلی یعنی طرح سازمان ملل که قرار بود در این اجلاس بر سر آن توافق شود نیز بی‌نتیجه ماند و تنها توافقی که داشتند این بود که اینگونه گفت‌وگوها در آینده نیز ادامه پیدا کند.

ادامه گفت‌وگوها در حالی که نتیجه‌ای از آن حاصل نمی‌شود چه فایده‌ای دارد؟

تصور بر این است، برای اینکه بحران سوریه خاتمه پیدا کند، باید قدرت‌های اصلی که درگیر این بحران‌ها هستند مثل آمریکایی‌ها و روسها به این نتیجه برسند که مذاکره و گفت وگو تنها راه حل بحران سوریه است و تا وقتی که قدرت‌های اصلی به این نتیجه نرسند این مذاکرات اگر هم به یک توافقت مقطعی دست پیدا کند توافقتش دائمی نیست و مجدداً با شکست روبه رو می‌شود و با بحران شدید روبرو می‌شود.

به نظر من، آمریکایی‌ها هنوز به این اهتمام و توجه نرسیدند که بحران سوریه از راه مذاکره و گفت وگو باید حل شود. هر چه زمان بگذرد امکان اینکه این دو کشور خصوصاً آمریکایی‌ها به این نتیجه برسند که راه حل سوریه، راه حل نظامی نیست و بحران را باید با مذاکره حل کرد بیشتر می‌شود، کم‌ا اینکه بعد از آتش‌بس که توافقی روسیه و آمریکا بود و شکست هم خورد، آمریکایی‌ها ابتدا موضعی سخت گرفتند حتی اعلام شد که باید طرح «ب» اجرا کنند؛ یعنی حمله مستقیم به سوریه صورت بگیرد اما بعد از یک مدت کوتاهی و خصوصاً بعد از دیداری که اوپاما با مشاوران و مقامات امنیتی خود داشت، اعلام کرد، آمریکایی‌ها باید بر پیگیری مذاکرات دیپلماتیک تأکید داشته باشند.

چرا روسیه و آمریکا درباره آتش‌بس تصمیم گرفتند؟ نقش ایران و کشورهای منطقه که خطر ناامنی موجود را بیشتر درک می‌کنند چه بود؟

ایران همواره از توقف درگیری‌ها و آتش‌بس برای کمک به مردم حمایت می‌کند و به طور طبیعی با توقف جنگ موافق است لذا در صورتیکه طرفین منطقه و سایر بازیگرها به توافقی در مورد آتش‌بس برسند طبیعی است که ایران و همچنین حزب الله با این موافق باشند البته تصمیم به آتش‌بس در سوریه هفته‌ها طول کشید. آقای کری با لاورف ملاقات‌های متعددی داشتند تا اینکه به یک

زهرای ترابی، مدیرعامل شرکت‌های خدماتی ایرانی در لندن

گفت‌وگو با سفیر سابق ایران در لبنان درباره تحولات سوریه:

عربستان به دنبال ضرر به منافع ایران است

زهرای ترابی



زهرای ترابی، مدیرعامل شرکت‌های خدماتی ایرانی در لندن

ایران همه تلاشش را می‌کند که همه کشورهای را متقاعد کند راه حل سوریه یک راه حل دیگری وجود ندارد.
دولت سوریه از ایران کمک‌های مستشاری می‌گیرد.
سوریه یکی از محورهای مقاومت است و باید به آن کمک کرد.
دولت بشار اسد یک دولت قانونی است و از ایران هم تقاضای کمک کرده است
و ایران نیز کمک‌های مستشاری انجام می‌دهد اما از طرف دیگر از هرگونه راه حل سیاسی هم استقبال می‌کند و به دنبال این است که مساله سوریه از طریق مذاکرات سیاسی حل شود.
ایران پیشنهادی برای آتش‌بس ندارد یا توانسته در آتش‌بس قبلی نقش ایفا کند؟
همانطور که گفتیم ایران همواره از توقف جنگ و آتش‌بس حمایت می‌کند. طبیعی است که جمهوری اسلامی‌از آتش‌بس حمایت کرده و می‌کند و هیچگاه مخالف با آتش‌بس نبوده و نقطه نظرش را به طرف‌های مقابل گفته و اگر موافقتی با آتش‌بس شده طبیعی است. ایران هم با توجه به موافقتش هیچ حرکتی در راستای آن بین بردن این آتش‌بس انجام نداده و نمی‌دهد. این نقضی است که ایران بازی می‌کند.
نقش حزب الله لبنان در حل بحران سوریه چگونه است؟
طبیعی است که وقتی دولت سوریه آتش‌بس را بپذیرد، حزب الله هم می‌پذیرد. حزب الله به سوریه، مردم سوریه و دولت سوریه کمک می‌کند برای اینکه احساس می‌کند باید با این گروه‌های تروریستی که در سوریه هستند جنگید تا در لبنان این حوادث اتفاق نیفتد. وقتی دولت سوریه آتش‌بس را می‌پذیرد، طبیعی است که حزب الله هم می‌پذیرد و عملیاتی انجام نمی‌دهد.
عربستان چه نفعی از ششعله ور کردن آتش جنگ در عربستان می‌گیرد؟
عربستان می‌گوید دولت بشار یک دولت هم پیمان با ایران است. ایران در سوریه نفوذ دارد، این برای عربستان به علت رقابتی که با ایران در منطقه دارد به هیچوجه خوشایند نیست. عربستان دوست ندارد رقیبش مخصوصاً در کشورهای عربی دست برتری داشته باشد بنابراین همه تلاشش را می‌کند که دولت بشار را ساقط کند و اگر بتواند آنجا حکومتی را بیاورد که با ایرانی‌ها توافق نداشته باشد از این طریق به محور مقاومت ضربه بزند. طبیعی است عربستان همه تلاشش را در این باره می‌کند.
یعنی شما هم اعتقاد دارید عربستان به نوعی به دنبال جنگ نیابتی در سوریه است؟
پهبود روابط ایران و عربستان می‌تواند در رسیدن به راه حل بحران سوریه نقشی داشته باشد؟
رابطه ایران و عربستان در حال حاضر خیلی شکننده است شاید

سوریه تصمیم بگیرند قطعاً ایشان هم با آن موافق است اما پیش شرطهایی که بعضی از کشورها می‌گذارند که بشار اسد باید کنار برود و نباشد، طبیعی است که از سوی وی پذیرفته نمی‌شود.
ایران تاکنون در حل بحران سوریه و رساندن طرف‌های درگیر به انتخاب گزینه سیاسی به جای نظامی چه نقشی داشته است؟

ایران همه تلاشش را می‌کند که همه کشورها را متقاعد کند راه حل سوریه یک راه حل سیاسی است نه نظامی و هیچ راه حل دیگری وجود ندارد. دولت سوریه از ایران کمک‌های مستشاری می‌گیرد. سوریه یکی از محورهای مقاومت است و باید به آن کمک کرد. دولت بشار اسد یک دولت قانونی است و از ایران هم تقاضای کمک کرده است و ایران نیز کمک‌های مستشاری انجام می‌دهد اما از طرف دیگر از هرگونه راه حل سیاسی هم استقبال می‌کند و به دنبال این است که مساله سوریه از طریق مذاکرات سیاسی حل شود.

ایران پیشنهادی برای آتش‌بس ندارد یا توانسته در آتش‌بس قبلی نقش ایفا کند؟

همانطور که گفتیم ایران همواره از توقف جنگ و آتش‌بس حمایت می‌کند. طبیعی است که جمهوری اسلامی‌از آتش‌بس حمایت کرده و می‌کند و هیچگاه مخالف با آتش‌بس نبوده و نقطه نظرش را به طرف‌های مقابل گفته و اگر موافقتی با آتش‌بس شده طبیعی است. ایران هم با توجه به موافقتش هیچ حرکتی در راستای آن بین بردن این آتش‌بس انجام نداده و نمی‌دهد. این نقضی است که ایران بازی می‌کند.

نقش حزب الله لبنان در حل بحران سوریه چگونه است؟
طبیعی است که وقتی دولت سوریه آتش‌بس را بپذیرد، حزب الله هم می‌پذیرد. حزب الله به سوریه، مردم سوریه و دولت سوریه کمک می‌کند برای اینکه احساس می‌کند باید با این گروه‌های تروریستی که در سوریه هستند جنگید تا در لبنان این حوادث اتفاق نیفتد. وقتی دولت سوریه آتش‌بس را می‌پذیرد، طبیعی است که حزب الله هم می‌پذیرد و عملیاتی انجام نمی‌دهد.
عربستان چه نفعی از ششعله ور کردن آتش جنگ در عربستان می‌گیرد؟
عربستان می‌گوید دولت بشار یک دولت هم پیمان با ایران است. ایران در سوریه نفوذ دارد، این برای عربستان به علت رقابتی که با ایران در منطقه دارد به هیچوجه خوشایند نیست. عربستان دوست ندارد رقیبش مخصوصاً در کشورهای عربی دست برتری داشته باشد بنابراین همه تلاشش را می‌کند که دولت بشار را ساقط کند و اگر بتواند آنجا حکومتی را بیاورد که با ایرانی‌ها توافق نداشته باشد از این طریق به محور مقاومت ضربه بزند. طبیعی است عربستان همه تلاشش را در این باره می‌کند.

یعنی شما هم اعتقاد دارید عربستان به نوعی به دنبال جنگ نیابتی در سوریه است؟
پهبود روابط ایران و عربستان می‌تواند در رسیدن به راه حل بحران سوریه نقشی داشته باشد؟
رابطه ایران و عربستان در حال حاضر خیلی شکننده است شاید

سیاسی

زهرای ترابی، مدیرعامل شرکت‌های خدماتی ایرانی در لندن

بگوییم در بدترین وضعیت ممکن روابط بین دو کشور طی سالهای گذشته است. به نظر من، مقامات سعودی علی‌رغم خویشتن داری جمهوری اسلامی خیلی بی‌محاپا در همه زمینه‌ها تلاش می‌کنند که علیه ایران فعالیت کنند؛ چه در اتحادیه عرب، چه در جهان اسلام، چه در رابطه با کشورهای دنیا و کشورهای عربی منطقه، هر جایی که هر امکانی داشته باشند، علیه جمهوری اسلامی‌ایران به خدمت گرفتند لذا وضعیت روابط ما با عربستان بسیار بد است و همانطور که گفتم شاید هیچ زمانی روابط بین دو کشور به این بدی نبوده است و علی‌رغم اینکه جمهوری اسلامی‌خیلی خویشتن داری به خرج داد و ویژه در فاجعه منا اما عربستان رفتار مناسبی ندارد و به صلاح عربستان و منطقه است که در رفتارشان تجدیدنظر کنند. عربستان احساس می‌کند ایران، پس از برجام روابطش با دنیا بهبود یافته و دست برتر را در منطقه دارد و این برای آنها قابل تحمل نیست. عربستان بر این باور است که ایران در سوریه و عراق و یمن و بحرین سیاست‌هایش پیروز شده است. ایران یک کشور با نفوذ و قدرتمند منطقه است و هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را از معادلات منطقه‌ای کنار بگذارد. عربستان باید این را بپذیرد. ما هم عربستان را یک کشور مهم منطقه‌ای می‌دانیم و باید دو طرف دنبال نقاط مشترک باشند و ببینند چه نقاط مشترکی در منطقه دارند و بروند سراغ آنها نه اینکه عربستان پیوسته دنبال این باشد که بخواهد به منافع ایران در کل دنیا و در منطقه ضرر بزند.

عربستان از وجهه یک قدرت منطقه‌ای معقول فروکاسته درحالی که در گذشته هم رقابت داشت اما کمتر سیاست‌های جنگ طلبانه اتخاذ می‌کرد.
چرا چنین اتفاقی برای عربستان رخ داد؟

یک بخش از قدرت عربستان برمی‌گردد به دولتمردان قدیم عربستان که از ختنگی خیلی خوبی برخوردار بودند ولی دولتمردان جدید ناپخته هستند. دیدشان راجع به منطقه و مسایل بین‌المللی دید یخته‌ای نیست. عملکرد ناپخته آنها باعث این می‌شود که عربستان این وضعیت را داشته باشد. با توجه به اعمال تروریستی یازده سپتامبر و سایر عملیات‌های تروریستی، اکنون دنیا و حتی آمریکا متوجه شده که در پس پرده تمام ترورها راه پای سعودی‌ها وجود دارد و تصمیم اخیر کنگره آمریکا در این خصوص ضربه محکمی به عربستان وارد کرد. به نظر می‌رسد دیگر عربستان آن اهمیت راهبردی را برای آمریکا ندارد لذا این کشور با ایجاد بحران در منطقه و لشکر کشی به یمن یا با تشدید دشمنی با ایران سعی می‌کند نقاط ضعفش را بپوشاند که این خود باعث بدتر شدن مساله می‌شود.

انتخابات آمریکا به زودی برگزار می‌شود؛ مناظره‌های ترامپ و کلینتون حکایت از بدبینی ایسن کاندیدها به خاورمیانه و ایران دارد فکر می‌کنید به قدرت رسیدن کدام یک از آنها برای آینده منطقه بیشتر خطر آفرین است؟

ترامپ نشان داده یک چیزی مثل بوش سبسر است یعنی دیدگاه‌هایش، دیدگاههایی است که می‌تواند آسیب‌های فراوانی به کشورهای دنیا نه تنها خاورمیانه بلکه به خیلی از جاها برزند از جمله به آمریکا و به منطقه. ما البته این موضوع را هم اضافه کنیم که خیلی از کاندیدها قبل از اینکه صندلی قدرت را تصاحب کنند یک موضع می‌گیرند و وقتی که قدرت را بگیرند موضعیان تغییر می‌کند ولی این دیدگاهی که فعلاً آقای ترامپ دارد طبیعی است که برای منطقه ضرر آفرین تر از دیدگاهی است که خانم کلینتون دارد.

مواضع آنها درباره داعش را چطور ارزیابی می‌کنید؟
طبیعی است که هر دو نفر در تبلیغات انتخاباتی داعش را یک گروه تروریستی می‌نامند که باید حذف شود. به نظر من، این سیاست اعلامی‌شان است ولی سیاست غیراعلامی‌شان این نیست. داعش چه طوری به وجود آمده است؟ داعش، اگر دقت کنید با پول عربستانی‌ها و سیاست‌های آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به وجود آمد همانطور که طالبان شکل گرفت و برای اهدافی به وجود آمدند، ولی بعداً دیدند هدف‌هایی که می‌خواستند نه تنها محقق نمی‌شود بلکه این گروه‌ها عامل خطرناک در کل دنیا می‌شوند. داعش با آن عملیاتی که در فرانسه یا دیگر جاهای اروپا انجام داد، برای کل دنیا خطر محسوب می‌شود و طبیعی است که هر دو نامزد، داعش را گروه تروریستی می‌دانند که باید از بین برود حالا می‌گویند تلاش هم می‌کنند که از بین برود.

فکر می‌کنید از بین می‌رود؟

داعش یک تفکر و یک قدرت اجرایی دارد. این تفکر کاملاً از بین نمی‌رود اما اینکه بتوانند این را مثل الان اجرایی کند و به صحنه عمل برآورد، بستگی دارد به کمک‌هایی که به داعش می‌شود؛ قطعاً اگر این کمک‌ها قطع شود، طبیعی است که داعش دیگر نمی‌تواند عمل کند و اگر عربستانی‌ها آمریکایی‌ها یا کشورهای دیگری که به داعش کمک مالی یا نظامی کنند، کمک‌هایشان را قطع کنند، داعش خیلی زود می‌تواند از لحاظ سازمانی از بین برود ولی تفکرش وجود دارد.



مواجهاند با محصول بذخ اختلافاتی که نوپدیدهایی مانند پایداری کاشتند و هرگز هم حاضر نشدند خود را با الگوی روحانی اخلاق گرا و سیاستمداری همچون آیتالله مهدوی کنسی وقف دهند. هر چه هست اکنون اصولگرایان باید به روش‌های آیت‌الله بازگردند. صداهای عجیبی شنیده می‌شود. گویی نوپدیدهای اصولگرا باز نسخه واگرایی پیچیده‌اند و برای رفتن به راه دیگر بهانه‌های تازه تئوریزه می‌کنند. تا سخن از وحدت به میسان می‌آید از کثرت می‌گویند و برهان ناچسب جور می‌کنند.

اکنون حتما نوبت خردگرایان است. رسم سیاست ورزی آیتالله باید زنده شود. باید به دوران آیتالله مهدوی کنسی بازگردیم. زنده باد اخلاق!
منبع: خبر آنلاین

جای خالی آیت‌الله «میانجی گر» در روزهای اختلاف اصولگرایانه

می‌توان از رفتار سیاسی او در نیمه دهه هفتاد داشت آن هم درست در شرایطی که برخلاف پیش‌بینی‌ها، راستگرایان قدرت را در یک‌دق‌می‌رسیدن به آن از دست داده بودند.

وحدت: کلید واژه مهم آیت‌الله

اگر بنا باشد به درستی و از سر صداقت به آسیب شناسی علت افول قدرت اصولگرایان در چند سال اخیر بپردازیم، یعنی دقیقاً آنچه که باعث شد اصولگرایان در پارلمان و دولت با وضعیت فعلی مواجه باشند حتماً باید به زمینه‌های ایجاد چند نظری بپردازیم و اینکه چه کسانی و چگونه بر طبل اختلاف کوبیدند. باید به دوران مجلس نهم بازگردیم؛ زمانی که دامنه اختلاف میان اصولگرایان افزایش یافت. درست در همین شرایط بود که آیت‌الله مهدوی کنی هشدار جدی به جبهه پایداری داد و در تبیین وحدت اصولگرایان در آن مقطع زمانی گفت: «مراد بنده آن است که همه باید با هم باشند و از تفرقه‌بهریزند، لذا توصیه می‌کنم همه در مسیر وحدت قرار گیرند، هرچند تأکید می‌کنم که معنای وحدت، یکی شدن نظرات و سلیقه‌ها نیست.»

اما پایداری آنان بر لیست مجزا باعث شد که اصولگرایان به دو گروه جبهه متحد اصولگرایان و جبهه پایداری انقلاب اسلامی تقسیم شوند و آیت‌الله مهدوی کنی در مرتبه اختلاف میان اصولگرایان اظهار داشت «ما ورود پیدا کردیم تا در راستای

این کلام فقط به او منحصر بود و هرگز در مورد کسی دیگر تکرار نشد. حضرت امام در سخنان خود فرمودند: «وزارت کشور از وزارتخانه‌های بسیار وسیع است و بحمد الله در رأسش هم آقای مهدوی واقع شدند که خوب ما از حضرت امام خمینی(ره) داشتیم و حالا هم ارادت داریم و بعدها هم ارادت خواهیم داشت به ایشان». آیت‌الله مهدوی کنی دبیری جامعه روحانیت مبارز تهران، رئیس دانشگاه امام صادق(ع)،عضویت و ریاست مجلس خبرگان رهبری،تولیت مدرسه علمیه مروی تهران؛ از سون حضرت امام خمینی(ره) را نیز بر عهده داشت.

چرا آیت‌الله، ماندگار شد؟

حالا‌باید به این پرداخت که آیت‌الله مهدوی کنی چگونه حتی بعد از رحلت همچنان به عنوان یک الگو برای اهل سیاست مطرح است و باید به دنبال پاسخی برای این سوال بود که آیت‌الله چه میراثی برای سپهر سیاست ایران به ارت گذاشته است. باید دوران سیاست ورزی او را مرور کرد و به این نتیجه رسید که آیت‌الله در شرایط مختلف چه روشی برگزیده است.

یکی از نکات جالب زندگی سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی نوع مواجهه او با رقیب است. در فصل پنجم کتاب خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، موضع او پس از شکست اصولگرایان در انتخابات سال ۷۶ چنین بیان شده: «من و جمعی از دوستان جامعه روحانیت بعد از انتخابات

^[1] زهرای ترابی، مدیرعامل شرکت‌های خدماتی ایرانی در لندن